

نقدی در رابطه با عنوان سمینارهای سالانه زنان ایرانی در آلمان

سمینارهای سالانه "تشکل های مستقل زنان و زنان فعال منفرد در آلمان" که از سال 2005 با نام "سمینارهای سالانه تشکلات زنان و زنان دگر/همجنس گرای ایرانی" برگزار می شود؛ امسال نیز از طرف گروهی از زنان در هانوفر برگزار گردید.

از آنجا که جنبش زنان به عنوان یکی از گسترده ترین بخش های جنبش دمکراتیک در جامعه و یکی از مهمترین نیروهای محرک این جنبش محسوب می گردد بررسی منتقدانه آن در پیشبرد مبارزات دمکراتیک اهمیت به سزایی می یابد. با آنکه تاکنون چندین سمینار با نام جدید برگزار شده است و بنظرمی رسد که اشکالات متعدد این عنوان با گذشت زمان به فراموشی سپرده شده و با خطر نادیده گرفته شدن و پذیرش اشکال و انحراف مواجه شده است، ما بر آن شدیم که با اعتقاد به اینکه گذشت زمان اشکال، نقص و انحراف را به حقانیت و اصولیت مبدل نمی سازد، بار دیگر به بررسی دلایل عدم پذیرش این عنوان از طرف بسیاری از زنان فعال در خارج کشور و از جمله "تشکل مستقل زنان ایرانی در هانوفر-آلمان" بپردازیم.

ابتدا نگاهی کوتاه به تاریخچه این سمینارها

در پاییز سال 1359 (1981) یعنی حدود 32 سال پیش، بدنبال اجباری شدن عکس با حجاب برای تمدید پاسپورت زنان ایرانی در خارج از کشور، جمعی از زنان ایرانی در آلمان برای سازماندهی مقاومتی جمعی در مقابل این بخشنامه جمهوری اسلامی ایران، گرد هم آمدند.

بدنبال اولین نشست مشترک زنان ایرانی در اعتراض به قانون حجاب اجباری، کمیته های هانوفر، برلین و فرانکفورت آمادگی خود را برای برگزاری اولین نشست مشترک با هدف همکاری های مستمر و درازمدت، اعلام نمودند. این گردهمایی که با حضور 50 الی 60 نفر برگزارگردید در اولین نشست خود، پس از تصمیم گیری برای سازماندهی اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی، تدوین منشور و اساسنامه این جمع را نیز در دستور کار سمینار قرار داد. سمینارهای سراسری که از آن پس با نام "سمینارهای سراسری تشکلات مستقل آلمان" برگزار می شد، به بررسی موضوعات گوناگونی از قبیل "نقش زنان در تاریخ ایران"، "ستم بر زنان در حوزه های گوناگون"، "موقعیت زنان زحمتکش"، "جایگاه زنان در ادیان گوناگون"، "دیدگاه های فمینیستی مختلف"، "نقش زن در ادبیات" و... اختصاص می یافتند.

تشکل مستقل زنان ایرانی در هانوفر یکی از برگزارکنندگان مستمر این سمینارهای سراسری بود که نظرات و دیدگاه های خود را مجدداً با تغییراتی در برنامه ابتدایی در قالب منشور و اساسنامه ای در سال 1997 منتشر نمود. از آنجا که اضافه شدن عنوان زنان دگر/همجنس گرای ایرانی، به عنوان این سمینارها در سال 2004 عملاً به خاتمه یافتن فعالیت بسیاری از زنان فعال در آلمان در برگزاری این گردهمایی ها منجر شد، این نوشته به توضیح مجدد نظرات ما در مخالفت با این نام اختصاص یافته است.

در مقالاتی که از زمان اضافه شدن پسوند "زنان دگر/همجنس گرای ایرانی" به عنوان این سمینارها در مخالفت با این نام به رشته تحریر در آمده اند، به نکات متعددی اشاره شده است. وجه مشترک این مقالات از جمله تأکید بر روند غیردمکراتیک تعیین نام کنونی در سمینار 2004 بوده است. این دلایل را می توان به طور اجمال در نکات زیر خلاصه نمود:

1- در بروشور اعلام برنامه این سمینار بهیچوجه اشاره ای به تصمیم گیری در مورد تغییر نام سمینار صورت نگرفته بود و تنها بحث موجود در این مورد در میزگردی با عنوان "آنچه خصوصی است، سیاسی است" انجام گرفت، که به طور مشخص و مستقیم رابطه ای با تغییر نام سمینار نداشت.

2- بحث در مورد تغییر نام نه به عنوان بحثی عمومی که امکان شرکت همه شرکت کنندگان سمینار در این بحث را فراهم می کند، بلکه تنها در یک گروه کار و یا به عبارت دیگر تنها در میان بخش کوچکی از شرکت کنندگان در سمینار صورت پذیرفت.

3- در گزارش گروههای کار که به شکل معمول و سنت این سمینارها در روز یکشنبه یعنی در روز آخر صورت می گیرد، گزارش این گروه کار نیز به همراه پیشنهادی مبنی بر تغییر نام سمینار به جلسه داده شد. کسانی که در این سمینارها شرکت می کنند، به خوبی می دانند که در روز یکشنبه، یعنی در آخرین ساعات این سمینارها عملاً تعداد بسیاری از شرکت کنندگان به دلیل اختلاف مسافت زیاد که میان محل اقامت آنان و محل برگزاری سمینار وجود دارد، یا

اصولا عازم بازگشت شده اند و یا در تدارک بازگشت به سر می برند. به همین دلیل نیز این روز عملا با تعداد بسیار کمتری از شرکت کنندگان برگزار می گردد. و از این رو تعداد قابل توجهی از شرکت کنندگان امکان حضور در این رای گیری را پیدا نکردند.

4- به دلیل عدم آمادگی سمینار برای تصمیم گیری در مورد تغییر نام، اسم پیشنهاد شده از طرف گروه کار، به عنوان تنها آلترناتیو موجود مورد رای گیری قرار گرفت و بنابراین مسلما نمی توانست به عنوان بهترین آلترناتیو محسوب گردد.

علاوه بر کمبودها و نقاط ضعفی که در شیوه تصمیم گیری در مورد تغییر نام وجود داشته و عدم رعایت ضوابط دمکراتیک در این تصمیم گیری انتخاب نام جدید را به عنوان نتیجه اراده اکثریت این جمع به طور جدی زیر سوال می برد، این نام در مضمون خود نیز دارای اشکالات و نقایص متعددی است که در زیر به آن می پردازیم:

قبل از پرداختن به این بحث مضمونی، لازم می دانیم که اشاره ای نیز به این نکته داشته باشیم که بخشی از مدافعان نام جدید، از آنجا که ظاهرا در بحث مضمونی متوجه اشکالات عدیده عنوان کنونی سمینار شده اند، در بسیاری از موارد با این استدلال که گویا مخالفان این نام، همجنس گرایی را به عنوان شیوه ای از اشکال متعدد رابطه مشترک به رسمیت نمی شناسند و با این "تابو" دچار معضل و مشکل هستند، عملا از پاسخ دادن به مسائل مطروحه در این مقالات طفره می روند. با این حال و برای رفع هرگونه شک و شبهه احتمالی در رابطه با نظرات ما در این زمینه، می توان به منشور و اساسنامه منتشره تشکل ما در سال 1997 یعنی حدود 16 سال پیش مراجعه نمود که در بند 6 آن "حمایت جنبش برابری طلب زنان از حق انتخاب آزادانه هرشکل مرسوم و غیر مرسوم رابطه و زندگی مشترک" به عنوان حقوق فردی انسانها مورد تاکید قرار گرفته است.

بررسی محتوای این عنوان

1- جنبش برابر طلبی زنان همواره خود را همسو و پشتیبان سایر جنبش هایی که آنها نیز به سهم خود ایجاد جامعه ای دمکراتیک را هدف مبارزه قرار داده اند، می داند. از آنجا که حق تصمیم گیری در مورد انتخاب شیوه زندگی مشترک به حقوق فردی انسان تعلق دارد، جنبش زنان در این زمینه نیز خود را همسو و پشتیبان جنبش همجنس گرایان، اعم از مردان و زنان تلقی می کند. همچنان که سایر جنبش های دمکراتیک در جامعه از جمله جنبش های ملی، جنبش دانشجویی، کارگری، معلمان، اقلیتهای مذهبی و... نیز متحدان بالفعل و بالقوه جنبش زنان تلقی می شوند. و این بدان معناست که اعضای این جنبش ها در عین استقلال و پیش برد مبارزات ویژه خود، اینجا و آنجا در مبارزه علیه دشمن مشترک و ایجاد ساختارهای دمکراتیک در جامعه دارای منافع مشترک می باشند. همسوئی و اشتراک اما به معنای انطباق همه جانبه اهداف، منافع و اشکال مبارزاتی نبوده و این جنبش ها خود را موظف به پشتیبانی و حمایت از بند بند برنامه و اساسنامه یکدیگر تلقی نمی کنند. به عبارت دقیق تر هر کدام از این جنبش ها مبین صورت و مضمون ویژه ای در جنبش دمکراتیک به طور کلی هستند. این اشکال و مضامین گوناگون را نمی توان و نباید در یک ظرف مشترک به گونه ای ادغام نمود که خود ویژگی و استقلال هر یک محو گردد. این اشکال و مضامین مختلف البته میتوانند در یک ظرف تشکیلاتی عمومی تر گرد آیند و با یکدیگر به همکاری بپردازند اما تشکل مشترک تنها میتواند نقطه مشترک این اشکال و مضامین را نمایندگی کند و نه خود ویژه گیهای این جنبشها را. و هرگاه چنین اصلی در گردهمایی و همکاری جنبشهای گوناگون مخدوش گردد ما با تصویری در هم و هویتهای ناروشن و مخدوش روبرو خواهیم بود.

جنبش فمینیستی و جنبش همجنس گرایان دو مضمون دموکراتیک متفاوت را در مبارزات خویش دنبال میکنند و تنها در یک تشکل عمومی تر دموکراتیک و بر پایه تعریف روشن نقاط اشتراکشان میتوانند کنار یکدیگر قرار گیرند و به همکاری با یکدیگر بپردازند.

بنابراین عنوان کنونی سمینار اهداف و استقلال هر دو جنبش را مخدوش میسازد و بهمین دلیل نیز علاوه بر مخالفت بخشی از فعالین فمینیست ما شاهد مخالفت اکثر همراهان همجنسگرای حاضر در جلسه با عنوان جدید سمینارها بوده ایم.

2- جنبش زنان از ابتدای فعالیت خود پرچم مبارزه علیه تنزل هویت انسانی زنان به هویت جنسی آنان در روابط و جوامع مردسالارانه را در دست داشته است. در نام کنونی سمینار اما عملا تنزل یافتن زنان به موضوع رابطه جنسی، داوطلبانه پذیرفته شده است. به عبارت دیگر در این عنوان زنان همچنان به شیوه متداول در جوامع و روابط مردسالارانه به موضوع رابطه جنسی تنزل یافته و با آن تعریف شده اند.

3- جنبش های صنفی و دمکراتیک از تقدم و تاخر برخوردار نبوده و جنبش فمینیستی منافع یکی را بر دیگری ارجح نمی داند. نام کنونی سمینار اما این شبهه را ایجاد می کند که گویا جنبش زنان منافع جنبش همجنس گرایی را بر منافع سایر جنبش

های حق طلبانه ، به طور مثال جنبش خلق های تحت ستم ، جنبش دانشجویی ، کارگران ، معلمان ، اقلیت های مذهبی و ... برتر دانسته و به آن ارجحیت می بخشد .

4- رابطه مشترک همجنس گرایانه تنها آلترناتیو موجود در مقابل رابطه مشترک زن و مرد نبوده و اشکال گوناگون و متنوعی از رابطه مشترک وجود دارد که رابطه همجنس گرایانه تنها یکی از این اشکال متنوع است (رابطه مشترک بدون ازدواج ، رابطه ترانس سکسوالیته و ...) . بنابراین محسوب نمودن رابطه همجنس گرایانه به عنوان تنها آلترناتیو موجود در مقابل رابطه مشترک " سنتی " به رسمیت نشناختن حقوق فردی در انتخاب آزادانه همه اشکال مرسوم و غیر مرسوم زندگی و رابطه مشترک محسوب می گردد.

5- یکی از دلایل مهمی که در حمایت از نام کنونی ابراز شده است ، اشاره بر ضرورت تابوشکنی به عنوان یکی از مهمترین وظایف جنبش زنان است که گویا در نام کنونی سمینار گامی در جهت انجام این مهم صورت گرفته است. در حالیکه در این استدلال این سؤال که برجسته نمودن تنها یکی از تابوهای جامعه بشری و به این ترتیب بی اهمیت تر جلوه دادن سایر تابوها بر اساس چه منطق ، استدلال و ضرورتی صورت گرفته است ، بی پاسخ می ماند. و علاوه بر این ، آیا پیشبرد یکی از اهداف مبارزاتی زنان یعنی شکستن تابوهای موجود در جامعه با نادیده گرفتن و تخطی از بسیاری از پرنسپ های عقیدتی و نظری جنبش فمینیستی و قواعد سازماندهی و فعالیت دموکراتیک می تواند اصلویت یافته و مجازشمرده شود ؟

6- جنبش همجنس گرایان بدلیل مبارزه برای حق انتخاب آزاد شکل زندگی مشترک جنبشی دموکراتیک تلقی می گردد. این جهت گیری دموکراتیک اما نمی تواند به صرف همجنس گرایی به تک تک همجنس گرایان تعمیم یابد. چنانچه صرف زن بودن معادل فمینیست بودن و اتخاذ جهتگیری دموکراتیک نیست. به همین دلیل نیز همجنس گرایان در جوامع مختلف به احزاب و گرایشات سیاسی گوناگون تعلق داشته و دیدگاه ها و جهانبینی های مختلفی را نمایندگی می کنند. چنانکه در آلمان به عنوان مثال سیاست مداران همجنس گرا را می توان در صفوف همه احزاب اعم از ترقی خواه ، بورژوا و یا نئوفاشیست مشاهده نمود. همین روال در کشورهای دیگر نیز دیده میشود. از این گذشته حتی صرف تمایل و دفاع از همجنس گرایی به خودی خود معرف شیوه برابری طلبانه در زندگی مشترک نیز نمی باشد. چنانچه بسیاری از همجنس گرایان در زندگی مشترک عملا همان نقش سنتی مردانه و زنانه را باز تولید میکنند. اگر همجنس گرایی صرف بیان موضع دموکراتیک نیست بطور قطع نمی تواند مترادف موضع فمینیستی نیز باشد. حال آنکه در عنوان کنونی سمینار ایندو عملا مترادف فرض شده اند.

بنا بر آنچه که آمد نتیجه می گیریم همه زنانی که علاوه بر نمایندگی منافع ویژه خود (اعم از ترک ، کرد ، کارگر ، معلم ، دانشجو ، تن فروش و ...) در جنبش زنان شرکت می کنند تنها به اعتبار فعالیت و مبارزه برای برابر طلبی میان زنان و مردان است که فمینیست بشمار می آیند.

بر همین مبنا زنان همجنس گرای فعال در تشکلات مستقل زنان خارج کشور نیز که سال ها در سنگرهای گوناگون مبارزه علیه روابط و جوامع مردسالارانه در کنار ما و سایر زنان برابری طلب به فعالیت اشتغال داشته اند ، قابل خلاصه شدن و تحقیق یافتن به تمایل جنسی اشان نبوده بلکه بواسطه حضور در درون جنبش زنان از هویت فمینیستی برخوردارند. سمینار زنان چتری فرا گیر برای همکاری همه زنان فمینیست با گرایشات ، نظرات و هویت های گوناگون محسوب می گردد. این مضمون اما نه در عنوان کنونی بلکه در عنوان قبلی این سمینارها یعنی " سمینار تشکلات مستقل زنان ایرانی در آلمان " به روشنی تبیین شده است. بنابراین هرگونه تغییر و جایگزینی آن با عنوانی دیگر تنها زمانی درست و اصولی است که از خصوصیات برشمرده در بالا برخوردار بوده و هر زنی بتواند انعکاس هویت خود را در آن بیابد.

تشکل مستقل زنان ایرانی در هانوفر

01\04\2013